



طرح آزادسازی مزد همچنان در دستور کار قرار دارد

در خلال چند ماه پیش از تعیین حداقل دستمزد در شورای عالی کار، به هدف ارزان سازی نیروی کار، کارگزاران رژیم و نمایندگان نهادهای و تشکل های کارفرمایی هرسال با برنامه ای هدفمند و بیورش گسترده

ضمن نادیده انگاشتن حتی ماده ۴۱ قانون کار کنونی از افزایش واقعی و عادلانه مزد مانع می شوند. با خواست اجرای طرح هایی همچون مزد منطقه ای، تعیین مزد بر اساس صنف، شناورسازی مزد، و توافقی کردن مزد، هدف از طرح آن ها در سال های اخیر بیورش به مزد یا همان

ادامه در صفحه ۳



شماره ۵۷، ۸ فروردین ۱۴۰۱

زنان کارگر گرفتار در چنبره تبعیض جنسیتی و مزدی



زیر سلطه رژیم استبدادی ولایت فقیه، تبعیض جنسیتی و مزدی در حق زنان کارگر میهن مان با تار و پود این رژیم ارتجاعی درهم تنیده و نهاده شده است. حداقل دستمزد سال هاست که با هزینه های زندگی یک خانوار متوسط کارگری فاصله عظیمی یافته و شکاف

طبقاتی نیز در جامعه هردم گسترده تر می شود. بر خلاف نمایش ها و هیاهوهای تکراری شورای عالی کار و دیگر ارگان های رژیم مبنی بر افزایش دستمزدها و سیقت آن بر تورم، نهنها معیشت مردم بهتر نشده است، بلکه توان خرید مایحتاج اولیه نیز برای مردم دشوارتر از گذشته شده است و شمار زیادی از کارگران و زحمتکشان به زیر خط فقر کشانده شده اند. تبعیض جنسیتی و مزدی در حق زنان کارگر را می توان به عیان در کارگاه های رسمی و غیررسمی مشاهده کرد. زنان کارگر و زحمتکش به علت محدودیت ها و مانع هایی که رژیم در راه احیا و ایجاد سندیگاه های مستقل به وجود آورده است، از حمایت و پشتیبانی سازمان صنفی متعلق به خودشان محروم مانده اند. استثمار دائمی و نقض آشکار قانون "کار یکسان - مزد یکسان" در ارتباط با زنان کارگر در بسیاری از کارگاه های تولیدی و خدماتی مشاهده می شود. در این باره خبرگزاری ایبنا، سوم اسفندماه سال گذشته، اعتراف کرد: "تبعیض جنسیتی در روابط کار، فقط محدود به کارگاه های غیررسمی و کارگران بی تخصص و فاقد بیمه نیست؛ برابری دستمزد حتی در کارگاه های رسمی و برای بیمه شدگان شاغل و بازنشسته صندوق های مختلف بازنشستگی کشور نیز رعایت نمی شود؛ یک نمونه روشن: عدم پرداخت مزایای عیدی به زنان بیمه شده (چه شاغل و چه بازنشسته) است." همچنین این واقعیت در ارتباط با پرستاران که بخش عمده آنان زنان اند نیز صدق می کند. مثلاً پرستاران شرکتی در ماه های اخیر چند بار اعتراض کردند و حذف هرچه سریع تر پیمانکاران نیروی کار و تبدیل وضعیت شغلی شان را خواستار شدند. مطالبه به حق آنان عبارت است از این که در شرایطی که قراردادهای متعدد ۸۹ روزه، شرکتی، و جزاین ها، در بیمارستان ها وجود دارد، رژیم چگونه ادعای عدالت دارد. پرستاران از حقوق بدیهی، امنیت شغلی، و مزد عادلانه برخوردار نیستند. علاوه بر این ها، عدم پرداخت نشدن مبلغ ناچیز مزایای عیدی به زنان بیمه شده از جمله مورد های اعتراض زنان کارگر و کارمند در سراسر کشور است. در این زمینه خبرگزاری ایبنا، بهمن ماه سال گذشته، نوشت: "مورری بر مبلغ عیدی در ۱۰ سال گذشته نشان می دهد که سال ها رقم پرداختی نسبت به سال قبل تفاوت ناچیزی داشته و در حد ۱۰۰ هزار تومان اضافه شده است، آن هم در شرایطی که طی این سال ها اقتصاد ایران نوسان زیادی در تورم داشته و تا بیش از ۵۰ درصد را هم تجربه کرده است." مبارزه زنان کارگر میهن مان تا تحقق کامل "کار یکسان - مزد یکسان" و خواست محو هرگونه تبعیض جنسیتی و مزدی با دشواری بسیار اما با قاطعیت همچنان ادامه خواهد داشت. در این راه دشوار افشای سیاست های تزویرآمیز تشکل های زرد حکومتی به همراه پیکار برای احیا و ایجاد سندیگاه های مستقل کارگری از جمله ضرورت های این مبارزه است. برخی از خواست های به حق زنان کارگر و زحمتکش میهن مان عبارتند از: ۱. زنان کارگر در برابر کار مساوی با مردان مزد مساوی دریافت کنند؛ ۲. لغو حجاب اجباری؛ ۳. بتبعیض در اشتغال پایان داده شود؛ ۴. برای همه کارگران از جمله زنان کارگر بدون استثنا بیمه بیکاری برقرار گردد؛ ۵. هرنوع تبعیض در حق زنان کارگر به ویژه در زمینه حقوق بازنشستگی، انتخاب شغل، حق بیمه، و مزایای شغلی الغا گردد؛ ۶. با زنان کارگر و دیگر زنان شاغل قراردادهای دائمی و رسمی منعقد گردد.

در راه تأمین منافع زحمتکشان، اتحاد عمل فراگیر گریز ناپذیر است!

تحول های پراهمیت و شتابان صحنه سیاسی میهن ما همراه با رخداد های بسیار خطرناک ناشی از سیاست های امپریالیسم که جنگ اوکراین یکی از آخرین نمونه های آن است، در مجموع، اوضاعی بفرنج را در سطح ملی و بین المللی پدید آورده است. بحران شیوه تولید سرمایه داری، ناکامی در مهار و ترمیم بحران ادواری که در سال ۲۰۰۸/۱۳۸۷ سیمای وحشت انگیز سرمایه داری و ناکارآمدی آن را نمایان ساخت. به کارگیری سلاح ضد انسانی تحریم خصوصاً از سوی امپریالیسم آمریکا، برای منافع و حقوق طبقه کارگر و زحمتکشان پیامدهایی ویرانگر داشته است. رشد نرخ تورم، گرانی مواد خوراکی، و اختلال در سیستم ترابری به ویژه ترابری دریایی، همراه با رشد نو فاشیستی و محدود شدن حقوق دمکراتیک مردم از جمله اثرهای این ویرانگری است که زحمتکشان سراسر جهان با آن روبه رو شده اند. از این روی، در ارزیابی عرصه های گوناگون روبرویی با استبداد ولایتی در میدان مبارزه طبقاتی کشور تأثیرهای این مجموعه رخداد های پیچیده و چندلایه را نمی توان نادیده انگاشت. در این وضعیت همچنان که انتظار می رفت

ادامه در صفحه ۲

**پیش به سوی سازمان دهی مبارزه سراسری کارگران و زحمتکشان
بر ضد ظلم، بی عدالتی و سرکوب حقوق صنفی!**

ادامه در راه تأمین

نشست‌های شورای عالی کار برای تعیین میزان حداقل دستمزد سال ۱۴۰۱ برگزار شد و ماحصل آن در نقطه مقابل خواست طبقه کارگر و زحمتکشان بود. تعیین حداقل مزد به مبلغ ۴ میلیون و ۱۷۹ هزار تومان به معنای شکاف بازهم بیشتر درآمد - هزینه خانوارهای کارگری است. با توجه به رشد نرخ تورم و چشم‌انداز اقتصادی سالی که آغاز گردیده می‌توان با صراحت تأکید کرد که سال بسیار دشوار دیگری برای کارگران و زحمتکشان پیش رو است.

پیش از تعیین و اعلام به اصطلاح افزایش ۵۷/۴ درصدی در حداقل دستمزد سال جاری، تشکل‌های زرد حکومتی همچون سالیان گذشته اما این بار با عبارت‌پردازی‌های فریبکارانه "تازه" تمام نیرو و امکاناتشان را برای هدایت نارضایتی و اعتراض‌های کارگری به‌مجرای موردقبول حکومت جمهوری اسلامی و ارگان‌های امنیتی به‌کار گرفتند. چند روز پیش از نشست پایانی شورای عالی کار برای تعیین حداقل دستمزد، دبیرکل خانه کارگر اعلام کرد: "شورای عالی کار فاصله بین دستمزد و نرخ سبد معیشت را کاهش دهد." این موضع‌گیری زمانی بیان و در رسانه‌های حکومتی به‌شکل گسترده تبلیغ شد که مجلس با حذف ارز ترجیحی به‌منظور اجرای برنامه آزادسازی قیمت‌ها گام نخست را برداشت. همچنین نمایندگان شوراهای اسلامی کار نیز همچون تشکلی درحال انزوا و کارگرس‌تیز با برنامه‌های هدفمند تلاش کردند خود را هم‌سو با مطالبه افزایش واقعی دستمزد جلوه دهند. یکی از اعضای ارشد این تشکل ضد کارگری اعلام کرد: "با افزایش ۵۰ درصدی حقوق هم چرخ زندگی نمی‌چرخد. ... علاوه بر این‌ها، یکی از اعضای شناخته‌شده و سترون شورای عالی کار که همیشه در مقام پهلوان‌پنبه نمایش‌های آخر سال شورای عالی کار در صحنه ظاهر می‌شود نیز از مصوبه حداقل دستمزد امسال ابراز رضایت کرده است، با اعتراف به اینکه دولت و کارفرمایان به‌دنبال مزد توافقی هستند، تلویحاً این موضع‌گیری را پذیرفتنی دانسته و امکان تعیین مزد به‌صورت منطقه‌ای را منتفی نکرد. چنین موضع‌گیری‌ای از سوی این عضو شورای عالی کار اگر به‌معنای پیامال‌کردن حقوق حقه کارگران مشمول قانون کار نیست، پس چه معنای دیگری می‌توان برای آن جست؟ مزد "منطقه‌ای"، مزد "توافقی"، و مزد "صنفي" همگی پوششی برای اجرای برنامه آزادسازی مزد است. این واقعیت البته از چشم اعضای شورای عالی کار به‌ویژه نمایندگان به‌اصطلاح کارگری این شورا پنهان نیست. این افراد بیش از هرکس دیگری به محتوا و مضمون برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی حکومت جمهوری اسلامی در عرصه کارگری دسترسی و اشراف دارند. بنابراین، چنین اشخاصی خواسته یا ناخواسته، مستقیماً یا غیرمستقیماً، در نقش عامل دولت و کارفرمایان عمل کرده و می‌کنند. آخرین نمونه در این زمینه نقش نمایندگان به‌اصطلاح کارگری در تعیین حداقل مزد ۴ میلیون و ۱۷۹ هزار تومان برای امسال است. موضوع نشست‌های شورای عالی کار و سه‌جانبه‌گرایی نمایشی رژیم ولایت فقیه، اهمیت سازمان‌دهی اعتراض‌های پراکنده را بار دیگر به‌ویژه در اوضاع بغرنج و حساس داخلی و خارجی برجسته ساخته و آن را در جایگاه وظیفه اصلی و بی‌درنگ مبارزان راستین منافع طبقه کارگر قرار می‌دهد. سازمان‌دهی و همبستگی و نیز طرح شعارهای مبتنی بر مطالبه حقوق طبقه کارگر و زحمتکشان با توجه به توازن قوای موجود در عرصه مبارزات جنبش کارگری و سندیکایی بدون اتحاد عمل فراگیر و استقلال عمل طبقاتی

پیش به سوی سازمان دهی مبارزه
سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد
ظلم، بی عدالتی و سرکوب
حقوق صنفی!



دست‌یافتنی نیستند. حکومت جمهوری اسلامی با توسل به اهرم‌هایی قدرتمند و متنوع همواره کوشیده و می‌کوشد خروج جنبش کارگری و سندیکایی از حالت تدافعی را مانع گردد. هر اقدام و گام اثربخش در راستای حرکت به سمت خروج از موضع تدافعی و تغییر توازن قوا به‌سود جبهه کار و به‌زیان جبهه سرمایه با واکنش و برخورد سرکوبگرانه و بسیار شدید نهادهای حکومتی روبرو می‌شود. باید یادآور شویم با وجود همه مشکلات در زمینه‌های عینی و ذهنی مبارزه، تغییر توازن قوا در راستای مقاصد، آماج‌ها، و امیال حکومت جمهوری اسلامی جریان ندارد. فقر، فلاکت، بیکاری، شکاف ژرف طبقاتی و بی‌عدالتی چنان نارضایتی اجتماعی‌ای ژرف را پدید آورده است که میزان، عمق، حیطة، و تأثیر مانورهای رژیم و نهادهای امنیتی را محدود کرده و از شدت آن‌ها کاسته است. فضای متراکم از نارضایتی تهی‌دستان به‌ویژه طبقه کارگر و زحمتکشان امکانات حکومت جمهوری اسلامی را به‌چالش کشیده و میدان اجتماعی آن را برای تحرک‌های امنیتی به‌هدف کنترل یا سرکوب اعتراض‌ها تنگ‌تر کرده است. در این اوضاع و احوال باید متناسب با امکانات و توانایی جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی مبارزه را شدت بخشیده و با پافشاری بر احیای حقوق سندیکایی هرچه بیشتر به سمت وحدت سندیکایی حرکت و اقدام کرد، ضمن آنکه ضرورت هماهنگی با مبارزات سراسری ضد دیکتاتوری را آبی به‌فرااموشی نسپرد. به‌عبارت دقیق‌تر، در سال نو خورشیدی و با توجه به چشم‌انداز صحنه سیاسی کشور و رخدادهای بین‌المللی اتحاد عمل فراگیر و وظیفه‌ای درنگ‌ناپذیر است.

زمینه‌های عینی این اتحاد عمل تا حد زیادی فراهم است، اما برخی مانع‌های ذهنی هم‌چنان از خود جان‌سختی نشان می‌دهند. درک نکردن درست ماهیت جنبش سندیکایی و مفهوم مبارزه سندیکایی کماکان از جمله مانع‌های ذهنی‌ای هستند که سد راه اتحاد عمل فراگیر می‌شوند. جنبش سندیکایی عبارت است از: وسیع‌ترین و توده‌ای‌ترین بخش جنبش کارگری که به‌طور عمده مبارزات اقتصادی - رفاهی را شامل می‌شود و در عین حال در عرصه مبارزه سیاسی پیشبرد آگاهی طبقاتی زحمتکشان را در دستور کار خود خواهد داشت. در سازمان‌های سندیکایی کارگران و زحمتکشان با هر عقیده، نظر، قومیت حضور دارند و این امر پایه اتحاد عمل فراگیر یا به‌عبارت دقیق‌تر و در تحلیل پایانی وحدت سندیکایی است.

برای مبارزان راه تأمین منافع طبقه کارگر و زحمتکشان و سندیکالیست‌های متعهد اقدام در راستای اتحاد عمل فراگیر در جنبش اعتراضی کنونی زحمتکشان مسئولیتی تاریخی است. در میدان مبارزه جاری کارگران و طیف گسترده زحمتکشان کشور در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها، در مدارس و بیمارستان‌ها در راستای بهبود وضعیت معیشتی و کسب حقوق صنفی بیش‌ازپیش این اتحاد عمل و وحدت سندیکایی گریزناپذیر است

زحمتکشان مشاغل دولتی و مطالبه‌های آنان

ادامه طرح آزادسازی مزد همچنان ...

آزادسازی مزد بوده است. به منظور حذف حداقل دستمزد و بیمه و مزایای مزدی مانند طرح طبقه‌بندی مشاغل، در آبان‌ماه با امضای ۳۸ نماینده مجلس، به وسیله لایحه‌ای برای اصلاح قانون کار با افزودن یک تبصره به ماده ۴۱ قانون کار برای "توافقی" کردن مزد و در نهایت حذف تعیین حداقل دستمزد سراسری و آزادسازی مزد این یورش ادامه یافت. گرچه در اسفندماه پارسال تعیین حداقل دستمزد در شورای عالی کار صورت گرفت، اما در چند ماه اخیر مجلس و وزارت کار با همراهی تعدادی از رهبران تشکل‌های زرد حکومتی زمینه را برای اجرای "منطقه‌ای" کردن دستمزد و حذف حداقل دستمزد فراهم کرده‌اند.

علاوه بر لایحه نمایندگان مجلس برای "توافقی" کردن دستمزد، رژیم ولایی بر اساس بخشنامه ۲۰ مهرماه ابراهیم رئیسی و به وسیله لایحه بودجه ۱۴۰۱ هدفش تحمیل افزایش صرفاً ۱۰ درصد به مزد تمام کارگران، کارگران "شرکت‌های دولتی" و بخش خصوصی بوده است، اما با مبارزه پیگیر کارگران هدف رژیم تحقق نیافت. به نظر می‌رسد که اخیراً ابراهیم رئیسی "حذف نظام چانه‌زنی در تعیین حقوق کارگران و کارمندان" را خواستار بوده است. نائب رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار و نماینده ارشد به اصطلاح گروه کارگری در شورای عالی کار در گفتگویی با خبرنگار ایلنا، ۱۹ اسفندماه ۱۴۰۰، "ورود دولت برای تعیین دستمزد و حذف چانه‌زنی" را عملاً تبدیل "نقش تسهیلگری" دولت "به مجری مطلق" و "تعیین دستمزد" به صورت دستوری توصیف کرد. روزبه کردونی، رئیس مؤسسه عالی پژوهش‌های سازمان تأمین اجتماعی، روز ۲۴ اسفندماه ۱۴۰۰، با اشاره به انجام "مطالعات مزد منطقه‌ای"، از ارائه "جمع‌بندی ابتدایی" این مطالعات در خرداد یا تیرماه ۱۴۰۱ به شورای عالی کار خبر داد. بر اساس گفته‌های او، "۸ ماه است که موضوع امکان‌سنجی منطقه‌ای کردن" دستمزد در کمیته راهبری متشکل از "نمایندگان جامعه کارگری و کارفرمایی و دیگر نهادها مانند مرکز پژوهش‌های مجلس" و وزارت اقتصاد و وزارت صمت تشکیل شده بود. این مطالعه انجام گرفته است. بر اساس گفته او، حتی "برای نخستین بار نظر خواهی گسترده را با حضور نمایندگان جامعه کارگری [بخوان: رهبران تشکل‌های زرد حکومتی]، کارفرمایی، اصناف" انجام می‌دهند. بر اساس این "نظرخواهی" و مشکل فراروی "فعالیت‌های تولیدی بنگاه‌ها، بی‌ثباتی در اقتصاد کلان و بازار ارز"، کارگزاران رژیم ولایی تصمیم گرفتند که سال ۱۴۰۰ برای تعیین مزد به صورت "منطقه‌ای" مناسب نبود، و پیش‌برد این سیاست بعد از "ساماندهی" این مشکلات انجام خواهد شد.

سخنان نماینده ارشد به اصطلاح گروه کارگری در شورای عالی کار در مورد حذف چانه‌زنی نشان می‌دهد که او و دیگر رهبران تشکل‌های زرد حکومتی، حفظ موقعیت‌شان در شورای عالی کار را خواستار هستند، اما در مورد مزد منطقه‌ای صرفاً به گفته‌های او اشاره می‌کنیم. او روز ۱۰ اسفندماه ۱۴۰۰ در مورد مزد منطقه‌ای گفت: "زیرساخت‌ها برای اجرایی شدن 'مزد منطقه‌ای' اصلاً فراهم نیست. ... یک پژوهشی هم قرار بود انجام شود که آن را به مرکز پژوهش‌های عالی سازمان تأمین اجتماعی سپردیم." او بار دیگر در روز ۱۲ اسفندماه گفت: "در قانون کار به تعیین دستمزد بر اساس صنایع و مناطق اشاره شده است... اما طرفداران مزد منطقه‌ای به دنبال اجرای مزد منطقه‌ای به صورت قانونی نیستند بلکه آن‌ها به دنبال مزد توافقی هستند." به عبارت دیگر، این رهبر تشکل زرد حکومتی، خواستار "اجرای مزد منطقه‌ای به صورت قانونی" است. با اجرای "مزد منطقه‌ای"، هدف رژیم ولایی آزادسازی مزد و بهره‌کشی شدیدتر از کارگران است. در سال جاری برنامه آزادسازی مزد با توجه به مجموعه رویدادهای صحنه سیاسی کشور همچنان در اولویت قرار دارد. با مبارزه‌ای متحد و پیگیر باید با این سیاست رژیم مقابله کرد.

به‌رغم تورم افسارگسیخته مواد خوراکی، هزینه‌های هنگفت اجاره‌خانه، و دستمزد و مستمزی یک‌چهارم خط فقر، بر اساس بخشنامه ۲۰ مهرماه سال گذشته ریاست‌جمهوری ایران مبنی بر افزایش ۱۰ درصدی حقوق "تمامی شرکت‌های دولتی" و "مشمولان قانون کار"، دولت رئیسی بر افزایش صرفاً ۱۰ درصدی دستمزدها در لایحه بودجه ۱۴۰۱ اصرار ورزید. حدود ۲۰۰ هزار کارگر شرکت‌های دولتی مشغول به کارند. با نزدیک شدن به زمان تعیین دستمزد سال ۱۴۰۱، کارگران و بازنشستگان به اعتراض‌هایی گسترده دست زده بودند. روز ۷ اسفندماه ۱۴۰۰، شورای عالی کار رقم سید معیشت ۸ میلیون و ۹۷۹ هزار تومانی محاسبه شده از سوی وزارت اقتصاد را در نظر گرفت. اما دوازده روز بعد یعنی ۱۹ اسفندماه دستمزدی به میزان ۴ میلیون و ۱۷۹ هزار تومان را به منزله پایه دستمزد ماهانه کارگران تعیین کرد. با وجود این دستمزد ماهانه چند برابر زیر خط فقر همچنان شاهدیم که بسیاری از کارفرمایان مزایای مزدی و عیدی و سنوات کارگران را پرداخت نمی‌کنند. مثلاً روز ۲۷ اسفندماه ۱۴۰۰ کارگران شهرداری ایران شهر علاوه بر دریافت نکردن ۵ ماه دستمزد پارسال‌شان، گفتند: "۱۳ سال است شهرداری ایران شهر به ما کارگران عیدی نمی‌دهد." حق کارگران دریافت به موقع حداقل دستمزدی معادل ۱۴ میلیون تومان در ماه است!

رژیم ولایی در طول چند سال اخیر تلاش ورزیده است مبارزات کارگری از اعتراض‌ها گرفته تا اعتصاب‌ها را بی‌نتیجه نشان دهد. حکومت ایران تحمیل حالتی تدافعی و فرسایشی به مبارزه کارگران و تقلیل بیش‌ازپیش انتظارات زحمتکشان را سیاست پایه‌ای‌اش در عرصه مسائل کارگری قرار داده است. در تعیین حداقل دستمزد سال ۱۴۰۱، رهبران تشکل‌های زرد حکومتی در شورای عالی کار صرفاً "سهمی" از مبلغ سید معیشت محاسبه شده از سوی وزارت اقتصاد را خواستار بودند. محبوب دبیرکل خانه کارگر و از رهبران عمده تشکل‌های کارگری زرد و حکومتی ایران در پیام نوروزی‌اش در دوم فروردین‌ماه ۱۴۰۱، علاوه بر تمجید از عملکرد رهبران تشکل‌های زرد در شورای عالی کار، انتظاراتی از بازنشستگان را به تحقق ۲۵ درصد از به اصطلاح همسان‌سازی باقیمانده از سال ۱۴۰۰ خلاصه کرد. درحالی‌که هم حق و هم انتظاراتی از بازنشستگان اجرای دقیق ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی و دریافت مستمزی حداقل ۱۴ میلیون تومان در ماه، خدمات درمانی رایگان، و پرداخت بدهی کلان "یک تریلیون و ۷۰۰ هزار میلیارد تومانی" دولت به تأمین اجتماعی بوده و هست. دولت همچنین با ابلاغ بخشنامه‌ای عیدی کارمندی صرفاً یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومانی را به کارگران شاغل در دستگاه‌های اجرایی و مشمول قانون کار تحمیل کرده بود. مطابق گزارش ۲۵ اسفندماه ۱۴۰۰ ایسنا، دیوان عدالت اداری اخیراً با صدور رأی، رای سال ۱۳۹۳ خود مبنی بر "کارگر" بودن این افراد را تأیید کرده است و دبیرکل تشکل دست‌ساز کانون عالی انجمن‌های صنفی این رأی را "عیدی دیوان [عدالت اداری] به کارگران" خواند. اما واقعیت امر این است که چنین رأی‌ها یا به اصطلاح اقدام‌هایی صرفاً تبلیغاتی‌اند. در این خصوص باید توجه کنیم که (بر اساس گزارش ایسنا) این کارگران باید معادل دو ماه حقوق عیدی دریافت کنند، اما عضو شورای هماهنگی اپراتورهای پست‌های فشار قوی برق در گفتگویی با ایلنا، اول فروردین‌ماه ۱۴۰۱، همچنان بر پرداخت عیدی صرفاً ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار تومانی تأکید کرد. بنابراین، عیدی کارگران دولتی در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. به این ترتیب، دروغ‌پردازی‌های نهادگرای رنگارنگ رژیم ولایی برای فریب کارگران به خوبی آشکار می‌شود. به‌عنوان نمونه، کارگران زیر مجموعه وزارت ارتباطات و وزارت نیرو با وجود داشتن تحصیلات و تخصصی یکسان، از تمام مزایای مزدی و رفاهیات کارمندان مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری این وزارتخانه‌ها بی‌نصیب‌اند. رژیم ولایی با تحمیل تبعیض گسترده به منظور ایجاد نفاق و تنش بین زحمتکشان، اختلاف دریافتی کارمندان و کارگران دولتی را تا ۳ یا ۴ برابر افزایش می‌دهد. کارگران شاغل در شرکت‌ها و دوابر دولتی بعد از بارها سفر به تهران از استان‌های مختلف و برگزاری تجمع‌های اعتراضی زیاد در مقابل مجلس، ساختمان ریاست جمهوری، و شورای نگهبان، بر خواسته حذف تبصره‌های لایحه بودجه در رابطه با افزایش صرفاً ۱۰ درصدی دستمزد تأکید کردند. با وجود خط فقر ۱۴ میلیون تومان در ماه، کارگران و کارمندان شاغل در شرکت‌های دولتی نیز شامل مصوبه حداقل دستمزد شورای عالی کار شدند. این مصوبه با خواست این زحمتکشان فاصله بسیار دارد. تأمین خواسته‌های فوری از جمله مزد عادلانه، سازمان‌دهی اعتراض‌ها، و تشکیل سندیکاهای مستقل، نیاز درنگ‌ناپذیر کارگران در مبارزه با رژیم فاسد کنونی است.

Internationaler Frauentag und Auftakt der Tarifrunde im Sozial- und Erziehungsdienst
Streik am 8. März
Christa Muscarel | etimuh@f & S | LZ vom 4. März 2022



در ۲۵ فوریه امسال / ۶ اسفندماه ۱۴۰۰ نشست برای مذاکرات مزدی با اتحادیه گروه کارفرمایان شهرداری برگزار شد. همان گونه که انتظار می رفت این نشست حاصلی نداشت و بدون نتیجه بود. اتحادیه گروه کارفرمایان شهرداری با قاطعیت با مطالبات مخالفت و آن ها را رد کرد. به همین دلیل در روز هشت مارس / ۱۷ اسفندماه ۱۴۰۰ تصمیم به اعتصاب گرفته شد و آگاهانه روز

جهانی زن به عنوان اولین روز اعتصاب انتخاب گردید. تا جنبش سیاسی زنان و نیروی زحمتکشان شاغل در رشته های خدمات اجتماعی و آموزشی با توان هرچه بیشتر بر اتحادیه گروه کارفرمایان شهرداری فشار را افزایش دهد. یکی از چالش های مبارزه کارگران و زحمتکشان، دشواری در وارد آوردن فشار به جبهه سرمایه است. برای غلبه بر این معضل به پشتیبانی و همبستگی همگانی نیاز است. در فراخوان داده شده برای اعتصاب زنان زحمتکش در روز هشت مارس، دلیل های وخیم بودن شرایط کاری چنین توضیح داده می شود: "زمان برای استراحت کردن چنان کوتاه و هزینه معیشت برای زنده ماندن آن چنان بالا است که دیگر مفهوم کار کردن برای زندگی کردن و لذت بردن از زندگی معنایش را از دست داده است و هدف کار در این سیستم فقط زنده نگه داشتن و توانمند ساختن انسان زحمتکش برای بازتولید ثروت است. در این شرایط، نخست کودکان، بیماران، و خویشاوندان آنان و طبیعتاً همه زحمتکشان که استثمار می شوند و زیر فشار هستند آسیب شدید خواهند دید."

فراخوان برای اعتصاب که از طرف ائتلاف زنان شاغل در بخش خدمات اجتماعی و آموزشی داده شده بود در روزنامه "اکسپرس" شهر کاسل آلمان منتشر و هدف از اعتصاب چنین شرح داده شده است: "جامعه ما نیاز دارد که همه خدمات و مراقبت های بهداشت و درمان، رایگان و اجتماعی شود. این کارها و خدمات نباید در اختیار شرکت های خصوصی قرار بگیرد یا در دستان کنسرن ها باشد. بلکه باید بر پایه دموکراتیک و در مالکیت اجتماعی سازمان دهی و اداره شود. ما برای عبور از سیستم موجود با هدف انجام دگرگونی های بنیادی مبارزه می کنیم، بر پایه رفع نیازهای اساسی انسان ها و نه بر بنیاد بهره کشی از انسان ها. مبارزه ما در راه ساختن جامعه ای است که در آن همبستگی و رفاه در مرکز آن قرار گیرد و نه سود برای سرمایه داران. مبارزه ضد سرمایه داری و مردسالاری." "امادگی کارگران مانند سال های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۵ / ۱۳۸۸ و ۱۳۹۴ برای مبارزه و شرکت فعال در مذاکرات با کارفرما درحد بالایی است. دو سوم از کارگران در نظرخواهی اعلام کردند که در کارزار شرکت خواهند کرد و می خواهند برای متقاعد کردن دیگر همکاران شان در این ارتباط صحبت کنند. برای شرکت در اعتصاب ۸۰ درصد از کارگران اعلام آمادگی کردند.

این اولین بار است که در آلمان در روز هشت مارس اعتصابی از سوی زنان شکل می گیرد. این فرصت تاریخی به این روز ارزشی والا، با معنا، و نیروی مضاعف برای ادامه مبارزه می دهد. سمت گیری کاملاً آشکار ضد سرمایه داری این اعتصاب و همبستگی زنان شاغل در سرتاسر کشور، پیش شرط مناسبی است که این مبارزه مشترک و همچنین جنبش سندیکایی در این مسیر ادامه یابد.

نوشته: کریستا هورانی
[این مقاله از روزنامه "عصر ما"، نشریه حزب کمونیست آلمان (د. ک. پ)، ۱۳ اسفند ۱۴۰۰ ماه به فارسی ترجمه شده است.]

<https://www.unsere-zeit.de/streik-am-8-maerz-166463/>

کارزار افزایش دستمزد زنان



افزایش دستمزد خواست زنان شاغل در بخش خدمات اجتماعی و آموزش آلمان است

امسال کارزار زنان زحمتکش شاغل در بخش خدمات اجتماعی و آموزش آلمان برای افزایش مزد در روز جهانی زن آغاز شد. بدون کار این زحمتکشان، جامعه ما به خصوص در بخش خدمات اجتماعی و آموزشی چه منظره ای خواهد داشت؟ مسئولیت مراقبت و تربیت نسل های آینده به عهده این زحمتکشان است. آنان خانواده هایی را که در وضعیتی سخت و بحرانی به سر می برند یاری و همراهی می کنند، از معلولان یا از افراد بی سرپناه حمایت می کنند. معمولاً کار این زحمتکشان که ۹۰ درصدشان را زنان تشکیل می دهند، به عنوان امری مسلم و طبیعی در نظر گرفته و شناخته می شود. زمانی در مورد کار آنان به بحث و تجزیه و تحلیل پرداختند که در روند کارهای یاد شده محدودیت به وجود آمد یا کلاً روند انجام آن از کار بازماند، مانند همه گیری کرونا. وقتی دورکاری با آموزش دانش آموزان پیش دبستانی و دبستانی هم زمان شده بود، در این بازه زمانی آگاهی جامعه به اهمیت این شغل و احترام به کار این زحمتکشان در اجتماع افزایش پیدا کرد.

از مجموع شاغلان در بخش خدمات اجتماعی و آموزشی، تعداد ۱ میلیون و ۶۶۰ هزار نفر عضو سازمان تأمین اجتماعی آلمان هستند. از این جمع ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر از آنان زنان هستند. تقریباً دو سوم آنان در بخش مراقبت و آموزش و پرورش کودکان، ۴۷۰/۰۰۰ نفر در بخش مددکاری و ۲۲۹/۴۰۰ نفر در بخش کمک به معلولان مشغول به کارند. به دلیل اهمیت این شغل ها نمی توان از کار این زحمتکشان صرف نظر یا آن را حذف کرد. با این وجود، نسبت به کاری که انجام می دهند از دستمزد متناسب با آن برخوردار نیستند. همچنین در این بخش نیروی کار کم و فشار کار بسیار توان فرسا و شرایط کاری نامناسب است. به همین دلیل در سال های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۵ / ۱۳۸۸ و ۱۳۹۳ مبارزه هایی دشوار همراه با موفقیت هایی هرچند اندک برای بهبود شرایط کاری انجام گرفت. امسال هم این مبارزه با سه محور اصلی به پیش خواهد رفت: خواست تأمین مالی برای این رشته بسیار مهم، بهبود بخشیدن به شرایط کار که از هرگونه اضطرابی فارغ باشد، و اقدام هایی در رفع کمبود نیروی ماهر و آموزش دیده.

فشرده یازده مطالبه ای که در فهرست خواسته ها آورده شده، از آن جمله اند: اصلاح طبقه بندی مشاغل پرستاران و پرستاران کودک، همراهان و مراقبت کنندگان دانش آموزان و دستیاران مدد کاران اجتماعی. این گروه آخر بیشترین تعداد از کل نیروی شاغل در این بخش را تشکیل می دهد و در واقع چالشین نیروهای متخصص و آموزش دیده هستند، زیرا تعداد متخصصان آموزش دیده مانند مریبان تعلیم و تربیت و مددکاران اجتماعی کم است. باید در جهت جبران کمبود نیروی کار با برگزاری آزمونی با حق قانونی برای دریافت مدرکی ارزشمند تلاش ورزید. باید با پذیرفتن درخواست افزایش روزهای استراحت فشار کاری را کاهش داد. باید از طریق طولانی کردن زمان برای آمادگی مجدد، کیفیت کار را بهتر کرد.

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

<http://www.tudehpartyiran.org>

آدرس های اینترنت و «ای-میل»

E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

27 March 2022

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

004930
23629727



ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۵۷
Nameh Mardom - Workers Supplement No.57